



غزوه حمراءالاسد: مرحله دوم غزوه احد

مشخصات کتاب

سرشناسه : نواب، عبدالفتاح

عنوان و نام پدیدآور : غزوه حمراءالاسد: مرحله دوم غزوه احد/عبدالفتاح نواب.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۲۴ ص. :مصور؛.م س ۱۲×۲۱

شابک : ۲۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۱۴-۴

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : غزوه حمراءالاسد.

رده بندی کنگره : BP/۲۴/۴۵/ح ۸۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۹۳۷/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۲۸۴۳۵

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷



مقدمه

هر کس به سرنوشت پیشینیان با نگاه ویژه خویش می‌نگرد و یافته‌های تاریخی گذشتگان را بر آیندگان گزارش می‌کند. ارزش آگاهی از راه رفته آنان آنگاه سودبخش است که تابلوی راهنمای فرزندان دوره‌های بعد باشد، الگو دهد، توان تصمیم‌سازی بخشد، حیرت‌زدایی نماید.

غزوه حمراءالأسد هر چند بدون خون‌ریزی و کشتار بود و با نمونه‌های غزوات دیگر بسیار فرق می‌کرد ولی شرایط خاص زمانی به گونه‌ای بود که کمترین زمان نباید از دست می‌رفت. هر کسی نباید در این مرحله وارد می‌شد، نه آنان که به بهانه‌ای در مسیر احد راه خود را از پیامبر(ص) جدا کردند و نه آنان که در دامنه احد فریاد یاری خواهی حضرتش را نادیده گرفتند و یا از فراز رماط

ص: ۸

برق غنایم به زیرشان آورد.

مردان مرد باید همراه خاتم رسولان مدال دار اسوه آیندگان گردند. خواننده این سطور زمانی از پیام فداکاری جانبازان احد الهام می‌گیرد که لختی درنگ کند و بنگرد امروز کجای میدان ایستاده تا بفهمد اگر دیروز بود کجا می‌بود.

مؤلف

ص: ۹

غزوه حمراءالأسد

اشاره

عصر روز شنبه، هفتم شوال سال سوم هجری (۱) پیامبر اعظم(ص) همراه با رزمندگان اسلام از رزمگاه احد به سوی مدینه بازگشتند. یاران آن حضرت، غم از دست دادن



عزیزانشان را با زنده ماندن پیامبر(ص) در آن صحنه سخت، فراموش کردند و برخی از آنان با چهره‌ای گشاده، شکرگزاری خود را از زنده بودن پیامبر(ص) ابراز می‌داشتند. فردای آن روز، هشتم ماه شوال، پیامبر(ص) پس از نماز صبح با الهامات الهی مأمور شد به تعقیب دشمن در منطقه حمراءالأسد و جنوب مدینه بپردازد.

اعلام غزوه‌ای دیگر

بلال مأمور شد تا دستور پیامبر(ص) را ابلاغ کند:

۱- مصادف با ششم فروردین سال چهارم شمسی و ۲۳ مارس سال ۶۲۵ میلادی.

ص: ۱۰

کسانی که در غزوه احد مجروح شدند، آماده حرکت برای تعقیب دشمن در حمراءالأسد باشند. (۱) مسلمانان مجروح که با سختی خود را برای برپایی نماز صبح رسانده بودند، مطلع شدند که باید همین امروز حرکت کنند. جای درنگ نبود، دشمن در منطقه روحا (هشت کیلومتری جنوب حمراءالأسد)، پس از تحلیل جنگ احد، در اندیشه حمله به مدینه و به زعم خود کشتن پیامبر(ص) و غارت اموال مسلمانان بود. عبدالله بن امّ مکتوم مأموریت یافت در مدینه، به جای رسول‌الله(ص) امام جماعت باشد. مجروحان و جانبازان احد، همراه پیامبر(ص) به سوی حمراءالأسد حرکت کردند، در حالی که پرچمدار این لشکر علی(ع) (۲)، خود ده‌ها زخم بر تن داشت و خم به ابرو نمی‌آورد! با این حال باید به پیش می‌رفتند تا دشمن را به عقب‌نشینی وادارند و آنان را از حمله به مدینه مأیوس کنند. در این سفر جهادی، جانبازان غیرتمند به جای استراحت، داوطلبانه خدمتگزاری جانبازان مصدوم‌تر را به عهده گرفتند تا کاروان جان



بر کف، دستور پیامبر(ص) را به انجام رسانند.
در بین رزمندگان، تنها جابر بن عبدالله انصاری بود

۱- بحار الأنوار ۲۰ / ۹۹ / ح ۲۸؛ سفینه البحار ۱ / ۷۷۰ و ۳ / ۷۸۴؛ مجمع البیان ۱ / ۵۳۹؛
تفسیر قمی ۱ / ۱۲۵.

۲- اعلام الوری، امین الاسلام الطبرسی / ۸۵؛ بحار الأنوار ۲۰ / ۱۰۹ / ۳۴.

ص: ۱۱

که در احد(به دلیل درخواست پدرش برای ماندن نزد هفت خواهرش) شرکت نداشت
و از پیامبر(ص) درخواست کرد اکنون که پدرم «عبدالله بن عمرو بن حرام» در احد
شرکت کرد و به شهادت رسید، اجازه دهید من توفیق همراهی شما را در حمراءالأسد
داشته باشم و پیامبر(ص) تنها با حضور وی موافقت فرمود.(۱)
در روز(هنگام ظهر) یکشنبه، هشتم شوال، لشکر اسلام در حمراءالأسد(هشت میلی
جنوب مدینه) اردو زد و رزمندگان مأمور شدند جهت فراوان نشان دادن یاران
پیامبر(ص)، شب‌ها هر کدام در چند نقطه آتش روشن کنند، بنابراین روزها به
جمع آوری هیزم و چوب و شب‌ها به روشن کردن منطقه با شعله‌های آتش
می‌پرداختند.

نیروهای اطلاعاتی قریش، سران کفر را از حضور نیروهای اسلام، مطلع ساختند. صفوان
بن امیه، به پیروزی نسبی لشکر مکه قانع بود ولی ابوسفیان خواهان خاموش کردن
خورشید محمدی(ص) بود. او به خیال خام خود



۱- سیره ابن هشام ۳/۱۰۷؛ مغازی ۱/۳۳۶. جنازه عبدالله بن عمرو بن حرام و شوهر خواهرش عمرو بن الجموح و خلاد بن عمرو بن الجموح توسط هند بنت عمرو (خواهر عبدالله) به سوی مدینه حمل می شد؛ از وی سؤال کردند: فما وراک؟ قالت خیراً اماً رسول الله فصالح و کل مصیبه بعده جَلَل و اتخذ الله من المؤمنین شهداء قالت من هولاء؟ قالت اخی و ابنی خلاد و زوجی عمرو بن الجموح. به امر پیامبر (ص) جنازه عبدالله بن عمرو و عمرو ابن الجموح در احد داخل یک قبر گذارده شد. مغازی واقدی ۱/۲۶۵.

ص: ۱۲

می گفت: «قد قتلنا صناید القوم فلو رجعنا استأصلناهم.» (۱)

حارث ابن هشام، عمرو بن العاص، خالد بن ولید و عکرمه بن ابی جهل که پدرش در جنگ بدر کشته شده بود نیز در اندیشه هجوم به مدینه و غارت اموال مسلمانان و کشتن

پیامبر (ص) بودند. (۲)

هنگامی که آفتاب روز دوشنبه، نهم شوال، منطقه را روشن ساخت، معبد خزاعی، رئیس قبیله خزاعه، پس از دیدار با پیامبر (ص) و ابراز همدردی نسبت به شهادت حضرت سیدالشهداء حمزه بن عبدالمطلب (ع)، در گذر از منطقه روحا، ابوسفیان را دید.

ابوسفیان از او پرسید: از محمد [ص] چه خبری داری؟ او بی درنگ پاسخ داد: او با لشکری بزرگ که مانند آن را ندیده‌ام، به سوی شما در حرکت است. مردم مدینه - اوس و خزرج - همه آمده‌اند و طولی نمی کشد که پیشانی اسبان آنان، از پشت تپه‌ها آشکار خواهد شد.

ابوسفیان که گمان می کرد با ضربات خود، پیامبر (ص) و یاران آن حضرت را به ستوه آورده، انتظار شنیدن چنین سخنانی را نداشت و به یاد شجاعت

۱- اعلام الوری / ۸۶

۲- تفسیر نورالثقلین ۱ / ۴۱۰، به نقل از تفسیر علی ابن ابراهیم.

ص: ۱۳

پیامبر(ص) در جنگ بدر افتاد و از این که سرسختی او موجب شکست دیگری بر مشرکین گردد، از تصمیم خود منصرف شد و نظر صفوان بن امیه را قبول کرد.

دشمن به دنبال گریز

کاروان قریش که در روحا اردو زده بود، برای حرکت نیازمند به زمان بود تا خود را تجهیز و به راه افتد. از طرفی طبق گزارش معبد خزاعی، لشکر پیامبر(ص) به نزدیکی روحا رسیده بود. بنابراین ابوسفیان چاره را در این دید تا جهت کسب فرصت، به پیامبر(ص) اطلاع دهد به زودی به سوی شما حمله خواهیم کرد. ابوسفیان از گروهی از افراد عبدالقیس - که قصد داشتند به مدینه بروند - خواست در مسیر حرکت خود در حمراء الأسد، پیغام او را به پیامبر(ص) برسانند که نیروهای کمکی قریش رسیده‌اند و آنان به زودی به شما حمله خواهند کرد. (۱) پیامبر توصیه‌های لازم را فرموده بود و از این خبر، هراسی به خود راه نداده، فرمودند: (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ)

۱- مغازی واقدی ۱ / ۳۴۰؛ الکامل ۱ / ۲۹۹.

ص: ۱۴

روز بعد لشکر قریش هیچ اقدامی نکرد، لذا پیامبر(ص) از اصحاب خود خواست کسی



از وضعیت مشرکان گزارش دهد. علی (ع) اعلام آمادگی کرد و طبق دستور پیامبر (ص)، به اردوگاه دشمن نزدیک شد و حرکات و رفتار آنان را بررسی و خدمت پیامبر گزارش داد که: دشمن اسب‌ها را رها کرده و در حال تجهیز شتران است. این عمل، نشانه قصد بازگشت مشرکان به مکه بود. پیامبر اکرم (ص) پس از توقف اطمینان بخش، روز بعد به همراه اصحاب و یاران به مدینه بازگشت و هفته‌ای را پشت سر گذاشت که دو غزوه مهم در آن واقع شده بود.

در این که پیامبر (ص) جمعه آن هفته، در مسجدالنبی (ص) خطبه جمعه ایراد کرده، اختلافی نیست؛ به ویژه آن که عبدالله بن ابی بن سلول، با شرمندگی می‌خواست مانند گذشته (بعد از جنگ بدر) سخنی بگوید، ولی مسلمانان مانع او شدند و به خاطر اقدامش در ایجاد اختلاف بین یاران پیامبر (ص)، او را نکوهش کردند؛ ولی طبرسی از کتاب ابان بن عثمان نقل می‌کند: «رجع رسول الله (ص) الی المدینه یوم الجمعه (۱).»

۱- اعلام الوری / ۸۶؛ بحار الأنوار ۹۹ / ۲۰، مغازی واقدی ۱ / ۳۳۴؛ و برخی مدت اقامت پیامبر (ص) در حمراء الأسد را سه روز می‌دانند. «ثم انصرف رسول الله المدینه بعد الثالثه»، مجمع البیان ۱ / ۵۴۰؛ سیره ابن اسحاق ۳ / ۱۰۸.

ص: ۱۵

برخی رخدادها در حمراء الأسد

۱- یکی از حوادث آن، اسارت عمرو بن عبدالله ابو عزه جُمحی است. او در جنگ بدر، به اسارت نیروهای اسلام درآمد و پیامبر (ص) به خاطر عائله‌مندی وی، بدون گرفتن فدا



آزادش کرد. او به پیامبر(ص) تعهد داد که با مشرکان همکاری نخواهد کرد ولی با وسوسه‌های صفوان بن امیه، بار دیگر در جنگ احد، مقابل نیروهای اسلام قرار گرفت و در حمراءالأسد توسط عاصم بن ثابت اسیر گردید و نزد پیامبر(ص) آورده شد. پیامبر دستور داد وی را در همان محل کشتند، چون به تعهدی که داده بود، عمل نکرد. حضرت فرمود: «لا یلدغ المؤمن من جحر مرتین؛ مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود».(۱)

۲- پناه گرفتن معاویه بن مغیره ابن ابی العاص، پسر عموی عثمان بن عفان بن ابی العاص در منزل عثمان؛ او که با لشکر قریش به احد آمده بود، به عثمان پناهنده شد و عثمان برای او ۳ روز از پیامبر(ص) مهلت گرفت و وسیله سفرش را فراهم کرد تا آن که از مدینه خارج شد.(۲)

۱- مغازی واقدی ۱/ ۳۰۹.

۲- مغازی واقدی ۱/ ۳۳۳ و سیره ابن هشام ۳/ ۱۱۱. واقدی و ابن اسحاق نقل می‌کنند که وی روز چهارم به دست زید بن حارثه و عمار بن یاسر در نزدیکی مدینه کشته شد. سیره ابن اسحاق ۳/ ۱۱۰.

ص: ۱۶

پیامبر (ص) پس از بازگشت

پیامبر(ص) پس از بازگشت از حمراءالأسد، به دیدار خانواده شهدا و مجروحان احد رفتند.



یکی از مجروحان جنگ احد، نُسبیه بنت کعب بود که پیامبر(ص) عبدالله بن کعب المازنی را به عیادت وی فرستادند تا از سلامتی وی آگاهی یابند و پس از خبر سلامتی او خوشحال شدند. نسبیه، از ناحیه شانه مجروح شده بود و درمانش یک سال به طول انجامید. تنها خواسته‌اش این بود که پیامبر(ص) در حق وی دعا کند تا در بهشت، همراه آن حضرت باشد. پیامبر(ص) هم در حق وی دعا کرد و فرمود:

«المقام نسبیه بنت کعب الیوم خیر من فلان و فلان؛ جایگاه نُسبیه دختر کعب، امروز(در غزوه) درخشنده‌تر و بهتر است از فلان و فلان.» (اشاره به بعضی از اصحاب خود).

سرکشی به خانواده سعد بن ربیع، به همراه جمعی از یاران و اصحاب آن حضرت، یکی دیگر از برنامه‌های پیامبر(ص) پس از بازگشت از حمراءالأسد بود. در این

ص: ۱۷

دیدار با کرامت آن حضرت، همه حاضران از غذایی که برای تعداد کمی تهیه شده بود، سیر شدند.

در این دیدار که چند ساعت به طول انجامید، پیامبر(ص) از فداکاری‌های سعد و دفاع او از اسلام و شهادتش در راه خدا سخن گفت و همگی اشک ریختند. در پایان جلسه همسر سعد از این که برادر سعد بعد از شهادت او اموال وی را تصاحب کرد و همسر و فرزندان او را از اموال سعد محروم ساخت، گلایه کرد. پیامبر(ص) متأثر شد و ساعتی بعد دستور الهی - آیات ارث - نازل گردید. (۱)

۱- مغازی ۱/ ۳۲۹ و مجمع البیان ۳/ ۲۴. در احوالات سعد بن ربیع آمده است: پس از آن که ۱۲ زخم برداشت، نقش زمین شد. کسی به او گفت: می‌گویند پیامبر(ص) کشته شده، گفت: خدای او که زنده است، ما در راه خدا جهاد می‌کنیم. همچنین وقتی زید



بن ثابت مأموریت یافت از او برای پیامبر (ص) خبری ببرد، سعد در آخرین پیام خود گفت: سلام مرا به پیامبر (ص) برسان و بگو خداوند به شما بهترین پاداش که سزاوار پیامبر (ص) است عطا فرماید و به انصار سلام برسان و بگو اگر پیامبر (ص) آسیب ببیند و شما زنده باشید، نزد خدا معذور نخواهید بود. سیره ابن هشام ۹۵/۲.

ص: ۱۸

نگاهی به آیات احد و حمراء الأسد

اشاره

شهد شیرین اطاعت و همراهی یاران پیامبر (ص)، بیشتر در آیات مربوط به حمراء الأسد مشاهده می شود تا آیات مربوط به غزوه احد.

در آیه ۱۵۵ آل عمران، درباره جنگ احد می خوانیم:

(إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ)

روزی که دو گروه [در احد] با هم رویاروی شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزانید. و قطعاً خدا از ایشان در گذشت؛ زیرا خدا آمرزگار بردبار است.

ولی در آیه ۱۷۲ آل عمران پیرامون رزمندگان حمراء الأسد می خوانیم:

(الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا

ص: ۱۹

أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ)



کسانی که [در نبرد احد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است. یا در آیه ۱۵۳ پیرامون احد می خوانیم:

(إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لَّكِيلاً تَحْزِنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)

[یاد کنید] هنگامی را که در حال گریز [از کوه] بالا می رفتید و به هیچ کس توجه نمی کردید؛ و پیامبر، شما را از پشت سرتان فرا می خواند. پس [خداوند] به سزای [این بی انضباطی] غمی بر غمتان [افزود] تا سرانجام بر آنچه از کف داده اید و برای آنچه به شما رسیده است اندوهگین نشوید، و خداوند از آنچه می کنید آگاه است. ولی در آیه ۱۷۳ آل عمران می خوانیم:

(الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ)

ص: ۲۰

همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند؛ پس، از آن بترسید.» و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.»

جبل حمراء الأسد

کوه قرمز رنگی است که در شمال منطقه احد و در مقابل آن، کوه کم ارتفاع دیگری است که حمراء النمل (مورچگان) شهرت دارد.

یادآوری

اشاره



منطقه حمراءالأسد، در حقیقت محل غزوه‌ای است که پیامبر رحمت (ص)، با جانبازان جنگ احد از اصحاب خود و با امکانات ناچیز، حدود ۴ شبانه‌روز در برابر دشمن ایستادند و با عنایات الهی و ایجاد رُعب، دشمن عقب‌نشینی کرد. قدردانی از زحمات آن حضرت، پیروی و پویدن راه ایشان است.

ص: ۲۱

آلبوم عکس‌ها:

(۱) تصویر هوایی منطقه حمراءالأسد

(۲) تصویر جبل حمراءالأسد

(۳) تصویر تابلوهای ورودی

ص: ۲۲

جبل حمراءالأسد از زاویه جنوب شرقی

ص: ۲۳

مسیر منطقه حمراءالأسد در طریق‌الهجره

به سمت راست

روستای حمراءالأسد

ص: ۲۴

منطقه عمومی حمراءالأسد در قسمت پائین جبل حمراءالأسد و در سمت راست جبل غیر و جاده مدینه به مکه مکرمه (طریق‌الهجره) و در سمت راست بالا، مسجد شجره، در حاشیه رودخانه عقیق و در سمت چپ جاده قدیم مدینه به مکه دیده می‌شود.